

فارسی نام

● مؤلف: حمید طالب تبار



فهرست

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۵۲	درس هشتم: هم‌زیستی با امام میهن	۹	بخش اول (معنی بیت‌ها و تثرها)
۵۶	شعرخوانی: دوران‌دیشی	۱۱	ستایش: به نام خداوند جان و خرد
۵۹	فصل چهارم: نام‌ها و یادها	۱۳	فصل اول: زیبایی آفرینش
۶۰	درس نهم: راز موفقیت	۱۴	درس اول: آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
۶۳	درس دهم: آرشی دیگر	۱۸	حکایت: سفر
۶۸	حکایت: نیک رایان	۱۹	درس دوم: عجایب صنع حق تعالی
۶۹	درس یازدهم: زنِ پارسا	۲۴	شعرخوانی: پرواز
۷۳	روان‌خوانی: دروازه‌ای به آسمان	۲۷	فصل دوم: شکفتن
۷۷	فصل پنجم: اسلام و انقلاب اسلامی	۲۸	درس سوم: مثل آینه، کار و شایستگی
۷۸	درس دوازدهم: پیام‌آور رحمت	۳۱	حکایت: باغبان نیک‌اندیش
۸۲	حکایت: سیرت سلمان	۳۳	درس چهارم: هم‌نشین
۸۳	درس سیزدهم: آشنای غریبان	۳۷	روان‌خوانی: دریچه‌های شکوفایی
۸۵	میلاذ گل	۳۹	فصل آزاد: ادبیات بومی ۱
۸۷	درس چهاردهم: پیدای پنهان	۴۰	درس پنجم: آزاد
۸۹	شعرخوانی: بود قدر تو افزون از ملایک	۴۱	فصل سوم: سبک زندگی
۹۱	فصل آزاد: ادبیات بومی ۲	۴۲	درس ششم: آداب زندگانی
۹۲	درس پانزدهم: آزاد	۴۶	حکایت: شو خطر کن
۹۳	فصل ششم: ادبیات جهان	۴۸	درس هفتم: پرتو امید
۹۴	درس شانزدهم: آرزو		

عنوان

صفحه

درس هفدهم: شازده کوچولو	۹۷
روان خوانی: دو نقاش	۱۰۰
نیایش: بیا تا برآریم دستی ز دل	۱۰۱
بخش دوم (بررسی و توضیح دانش‌های زبانی و ادبی)	
۱۰۵	
درس اول: آرایه‌های ادبی	۱۰۶
تمرین‌های مربوط به آرایه‌های ادبی	۱۱۱
پرسش‌های چهارگزینه‌ای آرایه‌های ادبی	۱۱۲
پاسخ تشریحی تمرین‌های آرایه‌های ادبی	۱۱۶
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای آرایه‌های ادبی	۱۱۷
درس دوم: وابسته‌های گروه اسمی (۱)	۱۲۰
تمرین‌های مربوط به گروه اسمی و وابسته‌ها	۱۲۶
پرسش‌های چهارگزینه‌ای وابسته‌های گروه اسمی	۱۲۸
پاسخ تشریحی تمرین‌های وابسته‌های گروه اسمی	۱۳۳
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای وابسته‌های گروه اسمی	۱۳۵
درس سوم: پرسشی انکاری	۱۳۸
تمرین‌های مربوط به پرسشی انکاری	۱۴۰
پرسش‌های چهارگزینه‌ای پرسشی انکاری	۱۴۱
پاسخ تشریحی تمرین‌های پرسشی انکاری	۱۴۳
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای پرسشی انکاری	۱۴۴
درس چهارم: صفت از لحاظ سنجش و مقایسه	۱۴۶
تمرین‌های مربوط به صفت سنجشی	۱۴۸
پرسش‌های چهارگزینه‌ای صفت سنجشی	۱۴۹
پاسخ تشریحی تمرین‌های صفت سنجشی	۱۵۱
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای صفت سنجشی	۱۵۲
درس ششم: گروه فعلی (۱) مضارع (زمان حال)	۱۵۳
تمرین‌های مربوط به فعل‌های مضارع	۱۵۶
پرسش‌های چهارگزینه‌ای انواع فعل‌های مضارع	۱۵۷

عنوان

صفحه

پاسخ تشریحی تمرین‌های فعل‌های مضارع	۱۶۰
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای انواع فعل‌های مضارع	۱۶۱
درس هفتم: تخلص	۱۶۳
تمرین‌های مربوط به تخلص	۱۶۵
پرسش‌های چهارگزینه‌ای تخلص	۱۶۶
پاسخ تشریحی تمرین‌های تخلص	۱۶۸
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای تخلص	۱۶۹
درس هشتم: تضاد	۱۷۰
تمرین‌های مربوط به تضاد	۱۷۱
پرسش‌های چهارگزینه‌ای تضاد	۱۷۲
پاسخ تشریحی تمرین‌های تضاد	۱۷۵
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای تضاد	۱۷۶
درس نهم: گروه فعلی (۲) [ماضی (گذشته)]	۱۷۷
تمرین‌های مربوط به ماضی ساده و ماضی نقلی	۱۷۹
پرسش‌های چهارگزینه‌ای ماضی ساده و ماضی نقلی	۱۸۰
پاسخ تشریحی تمرین‌های ماضی ساده و ماضی نقلی	۱۸۲
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای ماضی ساده و ماضی نقلی	۱۸۳
درس دهم: تلمیح	۱۸۴
تمرین‌های مربوط به آرایه تلمیح	۱۸۵
پرسش‌های چهارگزینه‌ای تلمیح	۱۸۶
پاسخ تشریحی تمرین‌های تلمیح	۱۸۸
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای تلمیح	۱۸۹
درس یازدهم: گروه فعلی (۳) [ماضی (گذشته)]	۱۹۱
تمرین‌های مربوط به ماضی استمراری و ماضی مستمر	۱۹۲
پرسش‌های چهارگزینه‌ای ماضی استمراری و ماضی مستمر	۱۹۳
پاسخ تشریحی تمرین‌های ماضی استمراری و ماضی مستمر	۱۹۵
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای ماضی استمراری و ماضی مستمر	۱۹۶

عنوان**صفحه****عنوان****صفحه**

درس دوازدهم: گروه فعلی (۴) [ماضی گذشته]	۱۹۷
تمرین‌های مربوط به ماضی بعید و ماضی التزامی	۱۹۹
پرسش‌های چهارگزینه‌ای ماضی بعید و ماضی التزامی	۲۰۱
پاسخ تشریحی تمرین‌های ماضی بعید و ماضی التزامی	۲۰۳
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای ماضی بعید و ماضی التزامی	۲۰۴
پرسش‌های چهارگزینه‌ای فعل‌های ماضی، مضارع و آینده	۲۰۵
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای فعل‌های ماضی، مضارع و آینده	۲۰۷
درس سیزدهم: ردیف	۲۰۸
تمرین‌های مربوط به ردیف	۲۱۰
پرسش‌های چهارگزینه‌ای ردیف	۲۱۲
پاسخ تشریحی تمرین‌های ردیف	۲۱۵
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای ردیف	۲۱۶
درس چهاردهم: قید	۲۱۷
تمرین‌های مربوط به قید و انواع قید از لحاظ معنی	۲۲۰
پرسش‌های چهارگزینه‌ای نقش دستوری قید	۲۲۱
پاسخ تشریحی تمرین‌های قید و انواع قید	۲۲۳
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای نقش دستوری قیدی	۲۲۴
درس شانزدهم: واژه‌سازی	۲۲۵
تمرین‌های مربوط به واژه‌های ساده، وندی و مرکب	۲۳۰
پرسش‌های چهارگزینه‌ای ساده، وندی و مرکب	۲۳۲
پاسخ تشریحی تمرین‌های واژه‌های ساده، وندی و مرکب	۲۳۶
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای واژه‌های ساده، وندی و مرکب	۲۳۸
بخش سوم (پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس به درس)	
۲۴۱	
درس: ستایش	۲۴۲
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس ستایش	۲۴۶

درس اول: آفرینش همه تنبیه خداوند دل است	۲۴۸
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس اول	۲۵۵
درس دوم: عجایب صنع حق تعالی	۲۵۹
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوم	۲۶۵
درس سوم: مثل آینه، کار و شایستگی	۲۶۸
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سوم	۲۷۴
درس چهارم: هم‌نشین	۲۷۷
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهارم	۲۸۴
درس ششم: آداب زندگانی	۲۸۸
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس ششم	۲۹۳
درس هفتم: پرتو امید	۲۹۶
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هفتم	۳۰۳
درس هشتم: هم‌زیستی با مام میهن	۳۰۶
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هشتم	۳۱۲
درس نهم: راز موفقیت	۳۱۵
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس نهم	۳۲۰
درس دهم: آرشى دیگر	۳۲۳
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دهم	۳۲۷
درس یازدهم: زنِ پارسا	۳۲۹
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس یازدهم	۳۳۵
درس دوازدهم: پیام‌آور رحمت	۳۳۸
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوازدهم	۳۴۳
درس سیزدهم: آشنای غربیان، میلاد گل	۳۴۵
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سیزدهم	۳۴۸
درس چهاردهم: پیدای پنهان	۳۵۰
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهاردهم	۳۵۴

عنوان

صفحه

درس شانزدهم: آرزو	۳۵۶
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس شانزدهم	۳۶۰
درس هفدهم: شازده کوچولو	۳۶۲
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هفدهم	۳۶۷
بخش چهارم (آزمون‌های جامع تیزهوشان) ۳۶۹	
آزمون جامع (۱)	۳۷۰
پاسخ تشریحی آزمون جامع (۱)	۳۷۲
آزمون جامع (۲)	۳۷۳
پاسخ تشریحی آزمون جامع (۲)	۳۷۵
آزمون جامع (۳)	۳۷۶
پاسخ تشریحی آزمون جامع (۳)	۳۷۹
آزمون جامع (۴)	۳۸۰
پاسخ تشریحی آزمون جامع (۴)	۳۸۳
آزمون جامع (۵)	۳۸۴
پاسخ تشریحی آزمون جامع (۵)	۳۸۶
آزمون جامع (۶)	۳۸۷
پاسخ تشریحی آزمون جامع (۶)	۳۹۰

عنوان صفحه

آزمون جامع (۷)	۳۹۲
پاسخ تشریحی آزمون جامع (۷)	۳۹۵
آزمون جامع (۸)	۳۹۷
پاسخ تشریحی آزمون جامع (۸)	۳۹۹
آزمون جامع (۹)	۴۰۰
پاسخ تشریحی آزمون جامع (۹)	۴۰۳
آزمون جامع (۱۰)	۴۰۴
پاسخ تشریحی آزمون (۱۰)	۴۰۷
آزمون جامع (۱۱)	۴۰۹
پاسخ تشریحی آزمون (۱۱)	۴۱۲
آزمون جامع (۱۲)	۴۱۴
پاسخ تشریحی آزمون (۱۲)	۴۱۷
آزمون جامع (۱۳)	۴۲۰
پاسخ تشریحی آزمون (۱۳)	۴۲۲
آزمون جامع (۱۴)	۴۲۴
پاسخ تشریحی آزمون (۱۴)	۴۲۶
آزمون جامع (۱۵)	۴۲۸
پاسخ تشریحی آزمون (۱۴)	۴۳۰

به نام خدا

«به عنایت، نظری کن که من دل شده را نرود بی مددِ لطفِ تو، کاری از پیش»

خداوند بزرگ را سپاسگزارم که همواره، بنده را مورد لطف و عنایت خویش قرار می‌دهد تا بتوانم خدمتگزار فرهنگیان و دانش‌آموزانِ گرانقدرِ سرزمینم باشم.

کتاب فارسی نهم را بی‌شک، با نگاه و نگرش جدیدتری نسبت به کتاب‌های دیگر متوسطهٔ دورهٔ اول، نوشته‌ام. بیت‌های بسیاری را از شاعران کهن و معاصر انتخاب نموده‌ام تا دانش‌آموزان عزیزم، دگرگونی ادبیات کهن، شکل‌گیری ادبیات معاصر و تفاوت بین آن‌ها را بهتر درک کنند.

ساختار کتاب، همانند فارسی هفتم و هشتم است:

- ۱- بخش اول: مربوط می‌شود به شرح و بررسی لغت‌ها، شعرها و نثرهای دشوار، به ترتیب درس‌ها؛
 - ۲- بخش دوم: اختصاص دارد به بررسی تمام دانش‌های زبانی و ادبی، همراه با تمرین‌ها و پرسش‌های چهارگزینه‌ای با پاسخ تشریحی؛
 - ۳- بخش سوم: طراحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس به درس، به صورت دستور، لغت، مفهوم، آرایه‌های ادبی و ... همراه با پاسخ تشریحی.
 - ۴- بخش چهارم: آزمون‌های جامع تیزهوشان، همراه با پاسخ تشریحی است.
- در پایان، قدردان لطف و محبت دوستان و همکارانی هستم که با لطف و یاریشان، این کتاب به چاپ رسیده است؛ از آن جمله:

استاد گرامی، آقای دکتر علی سلطانی گرد فرامرزی که بخش‌های اول و دوم این کتاب را ویراستاری علمی کرده‌اند؛ خانم‌ها آزاده و آویشن امیدمهر که ویرایش کتاب را انجام داده‌اند. همکاران خوبم آقایان جواد باحشمت جویباری، کاظم کاظمی، سرکار خانم همتا سپهری ایرایی و آقای علی سلاجقه دانش‌آموز کوشای علامه حلی شهر کرمان که بخش‌های اول، دوم، سوم و چهارم را ویراستاری علمی کرده‌اند.

همچنین از آقای میرحمید خاتمی (مدیر فروش)، آقای خدایار مبین، خانم نسیم مرادی (مدیر تولید)، خانم عاطفه‌سادات موسوی که حروف‌چینی کتاب را برعهده داشته‌اند، خانم رضیه صفریان (طراح)، خانم مینا هرمزی (طراح جلد)، و خانم رؤیا صدر، سپاسگزارم.

همواره، منتظر پیشنهادهای شما عزیزان هستم. لطفاً پیشنهادهای خودتان را به نشانی انتشارات مبتکران به نام مؤلف کتاب، ارسال فرمایید.

پاینده باشید!

حمید طالب‌تبار

بخش اوّل

بررسی و شرح معنی بیت ها و نثرها به ترتیب درس ها

ستایش

مَلِکَا، ذَکَر تو گویم که تو پاکِی و خدایی نروم جز به همان ره که توام، راه‌نمایی
معنی: پروردگارا، همیشه به یاد تو سخن می‌گویم؛ زیرا تو پاک و منزّه هستی. در زندگی، شیوه‌ای را در پیش می‌گیرم که تو آن را به من نشان بدهی و
 بیاموزی.
آرایه‌ها: ملک ← استعاره از خدا / مصراع اول به آیه «الحمد لله رب العالمین» و مصراع دوم به آیه «اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین انعمت
 علیهم» تلمیح دارد.
نکته دستوری: بیت از شش جمله تشکیل شده است. «الف» در ملکا، حرفِ ندا و مَلک، منادا است.

توجه

مصراع دوم این بیت، به دو صورت خوانده می‌شود.

الف) توام راه‌نمایی: تو راه‌نمای من هستی (در این صورت، مکث و درنگ بعد از «نما» قرار می‌گیرد.)

ب) توام راه‌نمایی: تو راه را به من نمایی (در این صورت، مکث و درنگ بعد از «راه» قرار می‌گیرد.)

اجزای جمله در عبارت «الف» چنین است: تو راه‌نما [ی] من (= ام) بی (= هستی)
 نهاد مسند مضاف‌الیه فعل

اجزای جمله در عبارت «ب» چنین است: تو راه [را] [به] من (= ام) نمایی
 نهاد مفعول متمم فعل

تاریخ ادبیات

سنایی غزنوی: ابوالمجد مجدود بن آدم (ولادت: اواسط یا اوایل نیمه دوم قرن پنجم، وفات: بین ۵۲۵ و ۵۴۵ ه.ق) شاعر و عارف
 معروف ایرانی در قرن ششم است. در آغاز شاعری مداح بود ولی تغییر حال داد و به عرفان روی آورد. وی دوست‌دار آل علی (ع)
 بود. از آثار او می‌توان به «حديقة الحقیقه» اشاره کرد.

ستایش

«به نام خداوند جان و خرد»

شاعر: حکیم ابوالقاسم فردوسی

قالب شعر: مثنوی

معنی واژه‌ها به ترتیب بیت‌ها



جان: روح	✿ مهر: خورشید، محبت
برنگردد: به ذهن نمی‌آید	✿ بیننده: چشم، کسی که می‌بیند. در شعر فردوسی مقصود از
نام: در این جا به معنی کلمه‌ای که برای نامیدن	«بینندگان» دو چشم یا چشمان است.
انسان یا چیزی به کار می‌رود.	نیز: در این جا به معنی هرگز
جای: مکان	جایگاه: مکان
رهنما: هدایت کننده، راهنمایی کننده	✿ ستودن: ستایش کردن
گردان سپهر: آسمان گردنده	✿ میان: کمر؛ میان بستن: آماده شدن برای کاری
فروزنده: روشنی‌دهنده، تابان	برنا: جوان

لغت‌های ستاره‌دار در آخر کتاب (= واژگان) معنی شده‌اند.

این درس، مانند تمام درس‌های آغازین کتاب‌های فارسی، مناجات (تحمیدیه) است. راز و نیاز با خداوندی که آرامش‌بخش دل‌ها و کارگشای همه مشکلات بندگانش است. فردوسی در این شعر به عظمت و بزرگی خداوند اشاره می‌کند و می‌گوید که خداوند با چشم‌های مادی قابل دیدن نیست و انسان نمی‌تواند عظمت خداوند را سپاس بگوید. در نتیجه خداوند فقط قابل ستایش و بندگی است.

محتوای درس

معنی بیت

بیت ۱ به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

معنی: سخن را به نام خدایی که خالق جان و خرد است، آغاز می‌کنم، زیرا خداوند از همه اندیشه‌ها و خردها، برتر و بالاتر است. (فکر ما بیش‌تر از این نمی‌تواند، عظمت و حقیقت خداوند را درک کند.)

آرایه: اندیشه و خرد ← مراعات‌نظیر

نکته دستوری: در مصراع اول، فعل «آغاز می‌کنم» به قرینه معنوی حذف شده است. / اندیشه ← وندی (اندیش + ه)

نکته

اگر واژه‌ای از یک جزء معنی‌دار و از یک یا چند وند (= پیشوند یا پسوند) ساخته شود، به آن، وندی می‌گویند. برای آشنایی با ساختمان وندی، مرکب و وندی - مرکب به بخش دوم همین کتاب، درس ۱۶ مراجعه کنید.

بیت ۲ خداوند نام و خداوند جای خداوند روزی ده رهنمای

معنی: پروردگاری که همه پدیده‌ها و همه مکان‌ها را به وجود آورده است و به آن‌ها روزی داده و به راه راست، هدایت کرده است.

آرایه: تکرار «خ» و «ن» ← واج‌آرایی
نکته دستوری: رهنمای ← صفت مرکب (صفت فاعلی مرکب مرخم)

خداوند کیوان و گگردان سپهر فروزنده ماه و ناهید و مههر

بیت ۳

معنی: پروردگاری که کیوان و آسمان گردنده را آفرید و به ماه و ناهید (به ماه و ستارگان) و خورشید، روشنایی بخشید.

نکته

در گذشته، مردم اعتقاد داشتند که زمین ثابت است و آسمان، ستارگان و خورشید، دور زمین می‌گردند.

آرایه: کیوان، سپهر، ماه، ناهید و مههر ← مراعات‌نظیر

– کیوان: نام دیگر آن «زُخَل» است و ششمین سیاره منظومه شمسی به نسبت فاصله از خورشید. کیوان در قدیم به معنی «آسمان» به کار می‌رفت.
نکته دستوری: گردان سپهر ← ترکیب وصفی مقلوب (سپهر گردان) / فروزنده ← صفت وندی (فروز + نده)، در این جا جانشین اسم شده است.

بسه بینندگان، آفریننده را بیننی، مرچمان دو بیننده را

بیت ۴

معنی: به وسیله چشم‌ها، نمی‌توانی خداوند را ببینی، بنابراین چشمانت (وجودت) را برای این کار بیهوده آزار نده.

نکته دستوری: بینندگان، آفریننده و بیننده ← وندی / دو بیننده ← ترکیب وصفی (دو ← صفت شمارشی / بیننده ← هسته)
مفهوم: خداوند را نمی‌توان با حواس مادی دید و درک کرد.

نیابید بدو نیز، اندیشه راه که او برتر از نام و از جایگاه

بیت ۵

معنی: اندیشه و خرد انسان هرگز نمی‌تواند خداوند را درک کند چون که خداوند، مادی نیست و از همه پدیده‌ها و مکان‌های مادی، بالاتر و برتر است.

آرایه: راه نیافتن اندیشه ← کنایه از درک نکردن اندیشه و خرد

مفهوم: انسان‌ها نمی‌توانند عظمت خداوند را درک کنند.

ستودن نداند کس او را چو هست میان، بندی را بیایدت بست

بیت ۶

معنی: هیچ‌کسی نمی‌تواند خدا را آن‌چنان که شایسته است، ستایش کند، بنابراین باید کمر خدمت را بندی و خداوند را بندگی و اطاعت کنی.

آرایه‌ها: هست و بست ← جناس / مصراع دوم، تکرار «ب» ← واج‌آرایی / میان بندی بستن ← کنایه از آماده بندی شدن

توانا بود هرکه دانا بود ز دانش، دل پیبر، برنا بود

بیت ۷

معنی: هرکسی که از دانایی (آگاهی) برخوردار باشد، بسیار توانمند و قدرتمند است. علم، سبب می‌شود که انسان‌های پیر، در دلشان، احساس نشاط و شادابی کنند.

آرایه: برنا و پیر ← تضاد / این بیت ضرب‌المثل است.

تاریخ ادبیات

فردوسی: در روستای باژ، واقع در منطقه توس خراسان به دنیا آمد. از نجیب زادگان و دهقانان توس بود. او مردی شیعه مذهب بود و دلبستگی‌اش به میراث قومی و فرهنگی ایران کهن، مانع از ارادت خالصانه او به خاندان پیامبر (ص) نشد. فردوس ۲۵ یا ۳۰ سال برای سرودن شاهنامه، رنج کشید و در حالی که نزدیک به ۸۰ سال داشت، به سال ۴۱۱ هـ. ق درگذشت و در زادگاه خود به خاک سپرده شد.

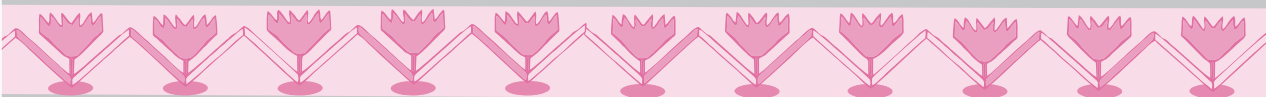
دیده‌ای نیست نبیند رُخ زیبای تو را نیست گوش‌ی که همی نشنود آوای تو را

معنی: چشمی وجود ندارد که چهرهٔ زیبای تو را نبیند و هیچ گوش‌ی وجود ندارد که صدای تو را نشنود.

مفهوم کنی: آثار و نشانه‌های تو قابلِ درک و شناخت هستند.

شاعر: امام خمینی (ره)

فصل اوّل زیبایی آفرینش



درس اول

«آفرینش همه تنبیه خداوند دل است»

شعر از: سعدی

قالب شعر: قصیده

معنی واژه‌ها به ترتیب بیت‌ها



بامداد: صبح زود	حیف: افسوس، دریغ
لیل: شب	الوان: ج لون، رنگارنگ
نهار: روز	صدبرگ: نوعی گل سُرخ با گلبرگ‌های پُرپُر و زیاد
تماشا: نگاه کردن به چیزی به قصد تفریح	حیران: سرگردان
آفرینش: آفریده‌های جهان	عَنب: انگور
تنبیه: هوشیار کردن، آگاه ساختن کسی بر کاری	حُقّه: جعبه، ظرفی کوچک که در آن جواهر یا چیزهایی دیگر نگهداری می‌شود.
خداوند دل: صاحب دل، انسان عارف	یاقوت: سنگ قیمتی به رنگ‌های سرخ، زرد و کبود
دل (دل ندارد): احساس و عاطفه	تقدیر: فرمان خدا، قسمت و سرنوشتی که خداوند برای بندگان خود معین فرموده است
اقرار: اعتراف	مُسَخَّر: رام و مطیع
عجب: شگفت‌آور، عجیب	کَرَم: بخشش
وجود: هستی	بار: آفریننده، خالق، نیکوکار
فکرت: فکر و اندیشه	إنعام: بخشش، نعمت دادن
تسبیح: نیایش کردن، خدا را به پاکی یاد کردن	راست رو: مخالف کج رو، درستکار، کسی که از راه راست خارج نمی‌شود.
مُستمع: شنونده	گوی: توپ کوچک
اسرار: جمع سِرّ، رازها	کج‌رفتار: کسی که رفتاری نادرست دارد.
مرغان: پرندگان	
خُفته: غافل و بی‌خبر	
جهالت: نادانی	

بهتر یاد بگیریم

الوان (alvān): جمع لون به معنی رنگ‌ها.

گاهی واژه الوان به صورت صفت به کار می‌رود و به معنی «رنگارنگ» است؛ مانند مصراع «که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟»
 إنعام: نعمت دادن، بخشش / أنعام (= جمع نَعَم): چهارپایان، معمولاً در معنای مفرد به کار می‌رود.

محتوای شعر

شعر «آفرینش همه تنبیه خداوند دل است» از بخش مواعظ (= جمع موعظه، به معنی پندها و اندرزها) سعدی انتخاب شده. اصل شعر، دارای ۴۳ بیت و با نام «وصف بهار» سروده شده است. این شعر با آوردن آیات و نوشته‌های خداوند بزرگ و نیاز انسان به پروردگار، همراه است. در این سروده زیبا، سعدی پدیده‌های هستی را در حال نیایش و ستایش پروردگار یافته است و به این نکته اشاره دارد که با نگاه جستجوگرانه به پدیده‌های آفرینش، می‌توان به شناخت خداوند دست یافت.

معنی بیت

بیت ۱ بامدادی که تفاوت نکنند لیل و نهار خوش بُود دامن صحرا و تماشای بهار

معنی: در صبح زود اول بهار که طول شب و روز آن یکسان است، رفتن به صحرا و تماشا کردن گل‌های زیبای بهاری، لذت بخش است.

آرایه‌ها: لیل و نهار ← تضاد / بهار و نهار ← جناس

نکته دستوری: لیل و نهار ← نهاد / خوش ← مسند

توجه

تفاوت نکردن لیل و نهار، اشاره به مساوی بودن طول شب و روز در سال دارد که دوبار اتفاق می‌افتد: ۱- ابتدای بهار ۲- ابتدای پاییز.

بیت ۲

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

معنی: تمام پدیده‌های آفرینش برای آگاه کردن انسان‌های عارف است و اگر کسی وجود خدا را انکار کند و به خدا ایمان نیاورد، ذوق و احساسی ندارد.

آرایه‌ها: واج‌آرایی ← «د» / که و به ← جناس / دل ← مجازاً احساس و عاطفه

نکته دستوری: آفرینش (آفرین + ش) ← وندی / که در مصراع دوم به معنی کسی که، ضمیر مبهم است و نقش نهادی دارد. / همه ← بدل

بیت ۳

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هرکه فکرت نکند، نقش بود بر دیوار

معنی: هر کسی که با این همه نقش‌ها و پدیده‌های عجیب هستی به آفریننده آن‌ها نیندیشد، همانند عکس و تصویر روی دیوار، بی‌احساس و بی‌روح است.

آرایه‌ها: در و دیوار ← مراعات نظیر / دیوار وجود ← اضافه تشبیهی / بر و در ← جناس / نقش بر دیوار بودن ← کنایه از بی‌روح بودن

توجه

«ت» در فکرت، ضمیر نیست! بلکه مربوط به خود کلمه «فکرت» است.

بیت ۴

کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند نه همه مُستمعی فهم کند این اسرار

معنی: کوه، دریا و درختان (همه موجودات) در حال نیایش خداوند هستند، اما هر شنونده‌ای این راز را درک نمی‌کند.

آرایه‌ها: کوه و دریا و درختان: مراعات نظیر / بیت تلمیح دارد به آیه ۴۴ سوره اسراء: *إِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا*. در تسبیح بودن کوه و دریا و درختان ← تشخیص

معنی: چیزی در جهان نیست مگر آن که خدا را تسبیح می‌کند و به پاکی می‌ستاید، لیکن شما تسبیح آن را نمی‌فهمید. به درستی که خدا صبور و

آمرزنده است.

بیت ۵ خبـرت هـست کـه مـرغان سـحـر مـی گـویـنـد / آخـر ای خُفـتـه، سـر از خـواب جـهـالـت بـر دـار؟

معنی: آیا خبر داری که پرندگان سحری به هنگام صبح می‌گویند: ای انسان غافل، از بی‌خبری و نادانی، رها شو.

آرایه‌ها: گفتن به مرغان سحر نسبت داده شده ← تشخیص/ خواب، سحر و خفته ← مراعات‌نظیر / سر و سحر ← جناس / خفته ← کنایه از غافل / خواب جهالت ← اضافه تشبیهی / سر از خواب برداشتن ← کنایه از آگاهی و بیداری

نکته دستوری: «ت» در خبر، متمم است: خبر برای تو هست (تو ← متمم) / خفته ← صفت جانشین اسم: ای [انسان] خفته.

بیت ۶ تا کی آخـر چـو بـنـفـشـه، سـرِ غـفـلت در پـیش / حـیـف بـاشـد کـه تـو در خـوابی و نـرگـس، بـیـدار

معنی: تا کی می‌خواهی مانند گل بنفشه، در غفلت و نادانی به سر ببری. حیف است که تو بی‌خبر و غافل باشی و گل نرگس بیدار و آگاه باشد.

آرایه‌ها: بنفشه و نرگس ← مراعات‌نظیر / چو بنفشه ← تشبیه / در و سر ← جناس / بنفشه در این بیت، نماد غفلت و سرافکندگی / نرگس، نماد بینایی و آگاهی است / سر غفلت در پیش گرفتن ← کنایه / خواب و بیدار ← تضاد / بیدار بودن نرگس ← تشخیص

نکته دستوری: «حیف» نقش مسندی دارد. / «ی» در خوابی، به معنی «هستی»، فعل اسنادی است.

بیت ۷ کـه تـوانـد کـه دـهد مـیـوهٔ الـوان از چـوب؟ / یـا کـه دـانـد کـه بـر آرد گـلِ صـد بـرگ از خـار؟

معنی: تنها خداوند بزرگ است که می‌تواند از چوب درخت، میوه‌های رنگارنگ و از خار، گل‌های سرخ زیبا، پدید آورد.

آرایه‌ها: چوب ← مجازاً درخت / گل و خار ← تضاد / گل، برگ و خار ← مراعات‌نظیر

نکته دستوری: هر دو مصراع، استفهام انکاری است. / صدبرگ ← صفت مرکب

بیت ۸ عـقـل، حـیـران شـود از خـوشـهٔ زـرّیـنِ عـنـب / فـهـم، عـاجـز شـود از حـقّهٔ یـاقـوت انـار

معنی: عقل از زیبایی خوشه طلایی انگور، متحیر است و فهم از درک زیبایی و ظرافت‌های دانه‌های انار که مانند یاقوتی سرخ و ارزشمند، می‌درخشد، ناتوان است.

آرایه‌ها: حیران شدن عقل و عاجز بودن فهم ← تشخیص / عنب و انار ← مراعات‌نظیر / حقهٔ یاقوت انار ← اضافه تشبیهی (انار به کیسه‌ای پر از یاقوت تشبیه شده است).

نکته دستوری: حیران ← مُسند / شود (= می‌شود) ← مضارع اخباری / خوشهٔ زرّین ← ترکیب وصفی (= زرّین ← صفت نسبی) / خوشهٔ عنب ← ترکیب اضافی (= عنب ← مضاف‌الیه) / «حقّهٔ یاقوت» و «یاقوت انار» دو ترکیب اضافی

بیت ۹ پـاک و بـی‌عـیـب خـدایـی کـه بـه تـقـدیر عـزیز / مـاه و خـورشـید، مُسَخَّر کـنـد و لـیـل و نـهـار

معنی: خداوند پاک و بی‌عیب با فرمان خود، تمام پدیده‌ها و موجودات را (ماه، خورشید و شب و روز را) مطیع خود کرده است.

آرایه‌ها: لیل و نهار ← تضاد / ماه و خورشید ← مراعات‌نظیر / بیت، تلمیح به آیات قرآن دارد.

بیت ۱۰ تا قیـامـت سـخـن انـدر کـرم و رـحـمـت او / هـمـه گـویـنـد و یـکی گـفـتـه نـیـاید ز هـزار

معنی: اگر همهٔ مردم تا روز قیامت دربارهٔ بخشش و لطف خداوند سخن بگویند، باز هم یکی از هزاران لطف و رحمت خداوند، گفته نمی‌شود.

نکته دستوری: «تا» حرف اضافه است و قیامت، متمم / همه، نقش نهادی دارد.

آرایه: یک و هزار ← تضاد

بیت ۱۱

نعمتت بار خدایا، ز عدد بیرون است شکرِ انعام تو هرگز نکنند شکرگزار

معنی: پروردگارا، نعمت‌های تو قابل شمارش نیست و هیچ انسان شکرگزاری نمی‌تواند، شکر نعمت‌های بی‌کران تو را به جای آورد.

آرایه‌ها: نعمت، شکر، انعام و شکرگزار ← مراعات‌نظیر / ز عدد بیرون بودن ← کنایه از بی‌شمار بودن

نکته دستوری: «ت» در نعمتت ← مضاف‌الیه / هرگز ← قید نفی

بیت ۱۲

سعدیا، راست روان، گوی سعادت بُردند راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

معنی: ای سعدی، انسان‌های درست‌کردار، به سعادت و خوش‌بختی می‌رسند؛ بنابراین تو هم انسانی صادق و راستگو باش، زیرا انسان بد رفتار به هدف و مقصودش نمی‌رسد.

آرایه‌ها: راست روان و کج رفتار ← تضاد / گوی سعادت ← اضافه تشبیهی / گوی بُردند ← کنایه از دست یافتن و سبقت گرفتن / به منزل نرسد ← کنایه از به نتیجه و هدف نرسد.

نکته دستوری: سعدی ← منادا و «ا» ← حرف ندا / راست روان (= راست + رو + ان) ← وندی - مرکب / کج رفتار (= کج + رفت + ار)

← وندی - مرکب و صفت جانشین اسم (انسان کج رفتار)

«کلیات سعدی، بخش قصاید»

واژه‌های مهم املائی

تفاوت - لیل و نهار - صحرا - تنبیه - اقرار - نقش عجب - فکرت - تسبیح‌اند - مُستمعی - اسرار - مرغان سحر - خفته - جهالت - غفلت - حیف - میوه‌الوان - صدبرگ - حیران - خوشه زرّین - عنب - عاجز - حقه یاقوت - تقدیر عزیز - مسخر - انعام - شکرگزار - گوی سعادت

تاریخ ادبیات

سعدی: مُشرف‌الدّین مصلح بن عبدالله شیرازی (۶۹۰ - ۶۰۶ هـ. ق) شاعر و نویسنده بزرگ قرن هفتم است. سعدی در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به تحصیل مشغول شد. در سال ۶۵۵ بوستان را به نظم درآورد و در سال بعد (۶۵۶) گلستان را تألیف کرد. علاوه بر این‌ها قصاید، غزلیات، قطعات، ترجیع‌بند، رباعیات، مقالات و قصاید عربی دارد که همه را در «کلیات» وی جمع کرده‌اند.

حکایت

سفر

نوع نثر: ساده و روان از: کتاب اسرار التّوحید محمدبن منور

معنی واژه ها به ترتیب سطرها

❖ معرفت: شناخت، علم

❖ پیر: مرشد، راهنما

آسیاب: دستگاهی که غلات را آرد می‌کند. گرد خویش گشتن: با خود اندیشیدن، به کار خود توجه کردن

افسار: دهنه، ریسمانی که به سر و گردن اسب می‌بندند. پیوسته: همیشه

ساعتی: یک ساعت، مدّتی درخود: درون خود

درنگ: توقف، صبر، مکث

این حکایت که از زبان ابوسعید ابی‌الخیر نقل شده است، تأکید بر خویشتن شناسی دارد و می‌گوید شناخت واقعی، همان شناخت خود (خودشناسی) می‌باشد.

محتوای حکایت

معنی نثر

روزی پیر ما، با جمعی از همراهان به در آسیابی رسید. افسار اسب کشید و ساعتی درنگ کرد؛ سپس به همراهان گفت: «می‌دانی که این آسیاب چه می‌گوید؟ می‌گوید: معرفت این است که من در آنم. گرد خویش می‌گردم و پیوسته در خود سفر می‌کنم تا هرچه نباید، از خود دور گردانم!»

معنی: یک روز، شیخ و راهنمای ما ابوسعید ابی‌الخیر، با گروهی از همراهانش به در آسیابی رسید. اسبش را نگه داشت و توقف کرد و مدّتی، صبر کرد. سپس به همراهانش گفت: می‌دانید که این آسیاب چه چیزی را به ما می‌گوید؟ می‌گوید: شناخت واقعی همین است که من در حال پرداختن و انجام دادن آن هستم. به هنگام گشتن، با خودم اندیشه می‌کنم و به کارهای خودم توجه می‌کنم و آن چیزهایی را که شایسته نیستند انجام نمی‌دهم و از خودم دور می‌سازم.

تاریخ ادبیات

اسرار التّوحید فی مقامات ابوسعید: کتابی است در احوال شیخ ابوسعید ابی‌الخیر که محمدبن منور (یکی از نوادگان ابوسعید) آن را در قرن ششم نگاشته است.

درس دوم

«عجایب صنّع حق تعالی»

از: کتاب کیمیای سعادت امام محمد غزالی

نوع نثر: ساده و روان

معنی واژه ها به ترتیب سطرها



بدان: آگاه باش	بلکه: علاوه بر این، اضافه بر این
❖ صنّع: آفرینش، احسان، ساختن و نیکویی کردن	مرغان هوا: پرنندگان آسمان
❖ تعالی: بلند مرتبه، بلند پایه	نیکوتر: زیباتر، خوب تر
❖ نهرها: جویها، رودخانهها	❖ چون: چگونه
❖ جواهر: جمع جوهر، گوهرها	آشیان: لانه
❖ نباتات: جمع نبات، گیاهان	نقش: نقاشی
❖ برّ: خشکی	کنده کرده باشند: کنده کاری (گچبری) کرده باشند.
❖ بحر: دریا	صفت: وصف کردن
❖ میغ: ابر، سحاب	❖ قندیل: مشعلی که از سقف آویزان کنند؛ چراغ آویز، چراغدان
❖ رعد: صدای ابرها	مختصر: کم و کوتاه، ناچیز
❖ قوس قزح: رنگین کمان	مَثَل: وصف حال، داستان، به عنوان مثال
❖ علامات: جمع علامت، نشانهها	مَلِک: پادشاه
❖ عجایب: جمع عجیبه، شگفتیها	جمال: زیبایی
❖ آیات: ج آیات، نشانهها، علامتها، هر عبارت قرآن	صورت: ظاهر
❖ که بدان وقف کنند.	❖ سریر: تخت، اورنگ
❖ اندر: در	❖ مُلک: پادشاهی، فرمانروایی
❖ بساط: فرش، گستردنی	❖ قناعت: خرسند بودن به مقدار کم، خشنود بودن از آنچه که
❖ جوانب: جمع جانب، اطراف، کنارهها	روزی انسان است.
❖ فراخ: گشاد، وسیع، گسترده	بُستان: بوستان، گلزار
❖ سخت: محکم	❖ مدهوش: سرگشته، سرگردان
❖ لطیف: نیکو، پاکیزه	متحیر: حیران، سرگردان
❖ دیبا: پارچه ابریشمی رنگین	

بهر یاد بگیریم

کاربرد واژه «چون»:

- ۱- گاهی چون به معنی «از قبیل» و حرف اضافه است؛ مانند:
چون کوه و بیابان و نهرها و ... (در این عبارت، تشبیه وجود ندارد و «چون» ادات تشبیه نمی‌باشد).
- ۲- چون به معنی «چگونه» و نقش قید پرسشی دارد؛ مانند:
غذای خویش چون به دست آورد و بچه را چون نگه دارد.
- ۳- چون به معنی «مثل» و «مانند» که در دستور به آن حرف اضافه و در آرایه به آن ادات تشبیه می‌گویند؛ مانند:
مَثَل تو چون مورچه‌ای است که در قَصْر مَلِکی سوراخی دارد.

این درس که از کتاب کیمیای سعادت امام محمد غزالی انتخاب شده است، بر شناخت خداوند و شناخت دنیا، تأکید شده است.

غزالی می‌گوید: اگر عظمت و بزرگی دنیا و پدیده‌هایی را که در آن آفریده شده‌اند، درک کنی و در طبیعت با اندیشه گشت و گذار کنی پی می‌بری که برای همه این‌ها، خدایی لازم است چون که بدون خداوند بزرگ، انسجام این دنیای بیکران غیرممکن است. در آخر به همه انسان‌ها توصیه می‌کند که در این دریا و بوستان بیکران معرفت (دنیا) با عقل و اندیشه، تفکر کنند تا به بزرگی خداوند راه یابند در غیر این‌صورت در همان حد و اندازه جسم مادی خود و دنیای مادی باقی می‌مانند و از حقیقت، دور می‌شوند.

محتوای درس

معنی نثر

بدان که هرچه در وجود است، همه صنع خدای تعالی است. آسمان و آفتاب و ماه و ستارگان و زمین آنچه بر وی است، چون کوه و بیابان و نهرها و آنچه در کوه‌هاست از جواهر و معادن و آنچه بر روی زمین است از انواع نباتات و آنچه در بر و بحر است از انواع حیوانات و آنچه میان آسمان و زمین است چون میغ و باران و برف و تگرگ و رعد و برق و قوس قزح و علاماتی که در هوا پدید آید، همه عجایب صنع حق تعالی است و این همه، آیات حق تعالی است که تو را فرموده است تا در آن نظر کنی. پس اندر این آیات تفکر کن.

معنی: آگاه باش که هرچه در جهان هستی وجود دارد، همه را خداوند بلندمرتبه، آفریده است. آسمان، آفتاب، ماه، ستارگان و زمین، آنچه بر روی زمین است مانند کوه، بیابان و رودخانه‌ها و آنچه در کوه‌هاست از سنگ‌های قیمتی و معدن‌ها و آنچه که بر روی زمین وجود دارد، از گیاهان گوناگون و آنچه که در خشکی و دریا وجود دارد از انواع حیوانات و آنچه که در میان آسمان و زمین است، مانند ابر، باران، برف، تگرگ، رعد، برق، رنگین‌کمان و نشانه‌هایی که در هوا آشکار می‌شود، همه، شگفتی‌های آفرینش خداوند بلندمرتبه است و این‌ها، نشانه‌هایی از خداوند بلندمرتبه است که به تو فرمان داده است که در آن‌ها نگاه کنی. پس در این نشانه‌های خداوند، فکر و اندیشه کن.

آرایه‌ها: آفتاب، ماه و ستارگان ← مراعات نظیر / زمین، کوه و بیابان ← مراعات نظیر / جواهر و معادن ← مراعات نظیر / میغ، باران، تگرگ و قوس قزح ← مراعات نظیر (در قسمت آغازین درس، چون چند مجموعه مراعات نظیر با هم به کار رفته است، شبکه معنایی به وجود آمده است.) / آسمان و زمین ← تضاد / بر و بحر ← تضاد / این عبارت، تلمیح دارد به آیه‌های ۶ تا ۱۱ سوره «ق»:

أفلم ينظروا ألى السماء فوقهم كيف بنيناها و زيناها و مالها من فُروج^(۶) و الارض مددناها و القينا فيها رواسى و انبتنا فيها من كل زوج بهيج^(۷) تبصرة و ذكرى لكل عبدٍ ...

ترجمه: آیا منکران حق، آسمان را فراز خود نمی‌نگرند که ما چگونه بنای آن را محکم اساس نهادیم و آن را به زیور ستارگان درخشان آراستیم که هیچ خلی در آن راه ندارد (۶) و زمین را نمی‌نگرند که آن را بگسترده‌ایم و در آن کوه‌های استوار بیفکنیم و هر نوع گیاه با حسن و طراوت را در آن، برویاندیم (۷) این دلایل قدرت در آسمان و زمین، موجب بصیرت و تذکر هر بنده است...

یادآوری: در این عبارت، تشبیه وجود ندارد. (چون کوه و بیابان و ...) تشبیه نیست.

نکته دستوری: «وی» در «بر وی است»، ضمیر شخصی است که به زمین، برمی‌گردد. این کاربرد، قدیمی است و در گذشته برای غیر انسان هم از ضمیر شخصی استفاده می‌کردند.

☆ در زمین، نگاه کن که چگونه بساط تو ساخته است و جوانب وی فراخ، گسترانیده و از زیر سنگ‌های سخت، آب‌های لطیف، روان کرده، تا بر روی زمین می‌رود و به تدریج بیرون می‌آید. در وقت بهار بنگر و تفکر کن که زمین، چگونه زنده شود و چون دیبای هفت‌رنگ گردد، بلکه هزار رنگ شود.

معنی: به زمین نگاه کن که [خداوند] چگونه آن را مانند فرش برای تو ساخته و اطراف آن را وسیع، گسترده است و از زیر سنگ‌های محکم، آب‌های گوارا، جاری کرده است، که بر روی زمین، جاری می‌شود و اندک اندک از زیر زمین بیرون می‌آید و به هنگام بهار، نگاه کن زمین، چگونه زنده و شاداب می‌شود و مانند پارچه ابریشمی، رنگارنگ و زیبا می‌شود، بلکه هزار رنگ می‌شود.

آرایه‌ها: سنگ، آب، لطیف و روان ← مراعات‌نظیر / زمین چون (= مانند) دیبای هفت رنگ ← تشبیه / آسمان و زمین ← تضاد

نکته دستوری: چگونه ← قید / سخت، لطیف و هفت رنگ ← صفت پسین بیانی / هزار رنگ ← صفت مرکب که این‌جا نقش مُسندی دارد.

توجه

هفت و هزار در این عبارت، به تنهایی صفت پیشین نیستند بلکه در ساخت کلمه به کار رفته‌اند و واژه مرکب ساخته‌اند.

ویژگی‌نثرهای کهن در این عبارت، کاملاً آشکار است:

۱. کوتاهی جمله‌ها: در زمین نگاه کن / چگونه بساط تو ساخته است / جوانب وی فراخ گسترانیده
۲. فراوانی فعل‌ها: نگاه کن / ساخته است / گسترانیده / کرده / می‌رود / می‌آید و ...
۳. تکرار فعل‌ها و برخی کلمه‌ها: زمین / شود / کن / چگونه و ...

☆ نگاه کن مرغانِ هوا و حشرات زمین را هر یکی بر شکلی دیگر و بر صورتی دیگر و همه از یک‌دگر نیکوتر؛ هر یکی را آنچه به کار باید، داد و هر یکی را بیاموخته که غذای خویش چون به دست آورد و بچه را چون نگاه دارد تا بزرگ شود و آشیان خویش چون کند. در مورچه، نگاه کن که به وقت خویش، غذا چون جمع کند.

معنی: به پرندگان آسمان و حشره‌های روی زمین نگاه کن که هر یک را با شکل و ظاهری متفاوت آفریده و هر کدام از دیگری بهتر و زیباتر است. آنچه که لازم بود به هر یک (موجودات) داده و به هر کدام، یاد داده که چگونه غذا به دست بیاورد و بچه را نگه دارد تا بزرگ بشود و چگونه لانه خود را بسازد. به مورچه نگاه کن که چگونه در زمان مناسب، غذایش را جمع می‌کند.

آرایه: هوا (= آسمان) و زمین ← تضاد

نکته دستوری: هر یکی و همه ← ضمیر مبهم / دیگر (دوبار تکرار شده) ← صفت مبهم / نیکوتر ← صفت تفضیلی / آنچه ← ضمیر اشاره / آنچه ← مفعول / هر یکی ← متمم (آنچه را به هر یکی ...) / چون (= چگونه) ← قید پرسشی